شرح زیج خواجه نصیر الدین طوسی تألیف محمد بن حسین نیشابوری القمی

تاریخ کتابت نهصد و هفت

کشف حقایق زیج ایلخانی



شرح زیج خواجه نصیر طوسی رحمه الله تعالی

مصنف حسن ابن محمد اللیثی بود

مالکه خواجه محمد ...

شرح زیج خانی

قاسم علی قائنی

قاسم علی

قائنی



٨	١١	١۴	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١۶	٩	۶
١٠	۵	۴	١۵

بالجمله	نسبت اینها	با بعد حضیض	تدویر	چون نسبت	هریک ازین	باشد	با هریک	ازین	کل لنظیره
	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زحل	ه نح غ	ه زح	ه زکا	ه ــ ه	ه ــ	ه امر	مط م	نو لے	و نا
مشتری	ه غ م	ه ندط	ه ندلو	ه ه کے	ه ی نط	ه که لب	مه کو	ه نا	با مر
مریخ	ه کے که	ه کرمه	ه لحر	ه لے مد	ه لا کر	ه به که لب	ندح	کو لا	لط ج
زهره	ه له ه	ه لو نط	ه لے کط	ا ه نه	ه نلح	ه زلح	ه ه غ	رحـ	ے ج
عطارد	حج کی	حو کد	حط کا	ا ــ ه	ه نلح	ه نو نا	ه لـ	کے ل	مو ل کـ ل

کواکب متحیره در اعلی تدویر بر توالی حرکت کنند پس در اعلی تدویر مستقیم باشند و در اسفل تدویر چون حرکات ایشان بر خلاف توالیست و نسبت قطر تدویر با خط واصل میان مرکز عالم و حضیض تدویر اعظم است از نسبت حرکه مرکز مرئی با حرکه حاصله مرئی چنانچه درین جدول ثبت افتاده پس در اسفل تدویر یکبار راجع شوند و دو بار مستقیم   نقل من شرح زیج الغ بیگ کاتبه مولانا علی القوشجی رحمه الله

قطریت

حرکات حوامل بایستی که گرد مرکز خود متشابه بودی لیکن گرد نقطه متشابه یافته اند که آن نقطه در علویه و زهره بر از اقطار حامل که بمرکز عالم گذشته است و از مرکز حامل در جانب بعد ابعد بمقدار دوری مرکز حامل از مرکز عالم و آن در زحل حـ کط یعنی سه درجه و بیست و نه دقیقه است و در مشتری ب مح یعنی دو درجه و چهل و هشت دقیقه و در مریخ و ید یعنی شش درجه و چهارده دقیقه و در زهره ه نب یعنی پنجاه و دو دقیقه است و در عطارد آن نقطه بر منتصف مابین مرکز مدیر و مرکز عالم است و مرکز حامل از مرکز مدیر بهمان مقدار دور است که آن نقطه از مرکز مدیر و مقدار این ح ح یعنی سه درجه است و این نقطه را مرکز معدل المسیر گویند و حرکات حوامل گرد مرکز معدل المسیر بر توالی هر روز در زحل ه ه ب ... و مشتری را ه ه د نطح و مریخ را ه ه لا کو لا و زهره را مساوی مرکز شمس است و عطارد را ضعف مرکز شمس است و حرکه مدیر بر خلاف توالی بقدر مرکز شمس است و حرکه حامل هر کوکبی را حرکه مرکز آن کوکب گویند الا در عطارد که فضل حرکه حامل او را بر حرکه مدیر مرکز او گویند و حرکه تدویر هر یکی که آن را حرکه خاصه و حرکه اختلاف او نیز گویند گرد مرکز خود چنانست که در اسفل بر خلاف توالی نماید و مقدار آن در زهره را ه ه لو نط کح و در عطارد را ه ج و کد نه است و هر یک از علویه را بقدر فضل مرکز شمس بر مراکز ایشانست و چون این حرکات که ذکر کردیم مختلف نمی‌شوند یعنی در ازمنه متساوی گرد نقطه که متشابه اند زوایای متساوی احداث میکنند این حرکات را اوساط گویند [illegible] که مختلف نمی‌شوند و مصنف [illegible] در عنوان ارباب اوساط را باین معنی گفته است و گاه و [illegible] حرکه اوج و مرکز را گویند و در قمر معنی دیگر [illegible]   شرح زیج مولانا علی قوشچی نقل شد

در این وقت بمقدار نوس رج شود پس آنچه دران حال مشترا ازان باشد که در حقیقت بعد اقرب [illegible] کی یعنی خط آخر
عمل معلوم نشود چون حرکه مرکز وسط را واحد گرفته بودیم لامحاله حرکه مرکز حامل بیشتر باشد از واحد بمقدار تفاضل تعدیل
[illegible] بعد ابعد بود که خاصه مرئی بیشتر باشد از حرکه خاصه وسطی بمقدار تفاضل تعدیل اول یکدرجه در بعد ابعد
پس تفاضل [illegible] یکدرجه را از یکدرجه نقصان باید کرد تا که مرکز مرئی در بعد ابعد حاصل آید و همچنین تفاضل را بر
یکدرجه باید [illegible] خاصه مرئی در بعد ابعد حاصل آید و در بعد اقرب عکس این عمل باید کرد و از برای تحصیل
مرکز مرئی خاصه [illegible] تفاضل تعدیل اول بر یکدرجه را در بعد اقرب حاصل باید کرد و بر یکدرجه باید افزود
تا مرکز [illegible] حاصل شود و از یکدرجه باید کاست تا خاصه مرئی حاصل آید و مقصود از تمهید این مقدمات آنست
که چون [illegible] مربع واحد حاصل آید بعد از آن در مقدار حرکه مرکز مرئی ضرب می باید کرد تا مقدار [illegible] باجوایی که آخر
[illegible] شد حاصل شود و باز همین [illegible] را در مقدار حرکه خاصه مرئی ضرب می باید کرد تا مقدار حرکه ما بین [illegible] حاصل
شده و [illegible] بهمان مسافت که در بعد اوسط مذکور شد تا بعد مقام از حقیقت بحسب بعدی که مستعمل گشته
[illegible] شود بعد از آن بجهت معرفت مقامات در حقیقت بعد ابعد و اقرب تفاضل میان اوسط و بعد
[illegible] اشتمام بگیریم و باز تفاضل میان بعد اوسط و هر یک از حقیقت بعد ابعد بگیریم و همچنین تفاضل
[illegible] بحسب بعد اوسط حاصل شده با آنچه بحسب ابعاد مستعمل حاصل شده بگیریم و این مقادیر سوم را
در مقادیر دوم ضرب کنیم و حاصل ضرب را بر مقادیر اول قسمت کنیم خارج قسمت بجای قسی خاصه مرئیه باشد
میان آنچه بعد اوسط اقتضا کند و میان آنچه حقیقت بعد ابعد و اقرب اقتضا کرده است پس تفاضل بعد ابعد را
از قسی خاصه مرئیه در بعد اوسط نقصان کنیم تا قسی خاصه [illegible] در حقیقت بعد ابعد حاصل آید و تفاضل بعد اقرب را
بر قسی خاصه مرئیه در بعد اوسط بیفزاییم تا قسی خاصه مرئیه در حقیقت بعد اقرب حاصل آید الا در عطارد که بعکس این
عمل باید کرد یعنی تفاضل بعد ابعد را بر قسی خاصه مرئیه بعد اوسط می باید افزود تا قسی خاصه مرئیه در حقیقت بعد اوسط
حاصل شود و تفاضل بعد اقرب را از قسی خاصه مرئیه بعد اوسط نقصان می باید کرد تا قسی خاصه مرئیه در حقیقت بعد
اقرب حاصل شود و چون این قسی را از دوره نقصان کنند بعد مقام اول باشد از ذروه تمام او تا دور بعد مقام
دوم باشد از ذروه بجهت دیگر ابعاد بهمین نسبت بیرون آورده ایم و بازاء ابعاد مرکز وسطی در جدول وضع کرده ایم
اما در جاتی که بر مرکز وسطی هر کوکبی می افزاید سبب اینست که در مراکز این کواکب تصرف کرده و این درجات را تمام
کرده تا تعدیل را اهمیت افزاید چنانچه در محلش بیان کرده ایم

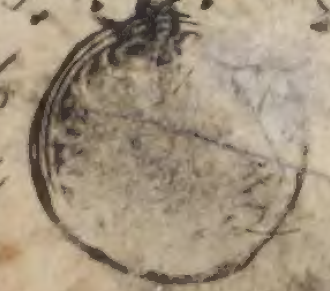
[illegible] شیخ مولانا علی التونچی [illegible] علیه

کتاب باشند جلد دیگر تعلق بشا بانه داشته و بعد از شد اولاد [illegible]

[redacted]

[redacted] [illegible] ام [illegible]

رمضان المرجب [illegible] ۱۰۹[illegible]



[illegible]